

در دهلیزهای قدرت
زندگی نامه سیاسی حسین علاء

منصوره اتحادیه (نظام مافی)



فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

- سرشناسه: اتحادیه (نظام مافی)، منصوره
عنوان و نام پدیدآور: در دهلیزهای قدرت/ منصوره اتحادیه
زندگانی سیاسی حسین علاء
مشخصات نشر: تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری: ۴۶۷ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۰۸۲-۷۸-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: علاء، حسین ۱۳۴۳-۱۲۶۱
موضوع: ایران — تاریخ — پهلوی، ۵۷-۱۳۰۴.
رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۳ الف ۷۷/ع ۱۴۸۶ DSR
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۲۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۹۲۱۱۰



نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، شماره ۳۰۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰

در دهلیزهای قدرت (زندگی نامه سیاسی حسین علاء)
منصوره اتحادیه (نظام مافی)

- حروفچینی، صفحه آرایی و نظارت: نشر تاریخ ایران
طرح جلد: داریوش بنچه
لیتوگرافی: پارسیان
چاپ: شیرین
چاپ اول: ۱۳۹۰
نیراز: ۱۵۰۰
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۰۸۲-۷۸-۶
ISBN: 978-964-6082-78-6
قیمت: ۱۰،۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار
۱۳	سخنی با خوانندگان
۲۱	مقدمه
۳۹	فصل ۱: وزارت تجارت و فلاح و فوائد عامه
۵۳	فصل ۲: سفارت اول آمریکا، ۳-۱۳۰۰ش / ۲۴-۱۹۲۰م
۷۷	فصل ۳: وکالت مجلس پنجم - وزارت فوائد عامه
۹۷	فصل ۴: سفارت فرانسه و نمایندگی جامعه ملل، مهر ۱۳۰۶ تا آبان ۱۳۱۱ / اکتبر ۱۹۲۷-۳۲م
۱۱۵	فصل ۵: ریاست بانک ملی، سفارت انگلیس
۱۳۹	فصل ۶: وزارت تجارت، دوران بی‌کاری، ریاست بانک ملی و وزارت دربار
۱۵۹	فصل ۷: سفارت دوم آمریکا و مسئله آذربایجان
۲۰۳	فصل ۸: سفارت دوم آمریکا
۲۲۱	فصل ۹: سفارت دوم آمریکا (قسمت سوم)
۲۴۲	فصل ۱۰: حسین علاء وزیر خارجه - نخست‌وزیر
۲۶۳	فصل ۱۱: علاء وزیر دربار در دوران مصدق

۲۸۹	فصل ۱۲: علاء نخست وزیر، فروردین ۱۳۳۴-۱۳۳۴/آوریل ۱۹۵۵-۵۷م
۳۰۹	فصل ۱۳:
۳۲۳	فصل ۱۴:
۳۴۹	پایان سخن
۳۵۱	یادداشت‌ها
۴۲۹	منابع
۴۳۳	تصاویر
۴۵۹	فهرست اعلام

www.ketab.ir

پیشگفتار

حقیقتاً مایه کمال خوشوقتی است پس از سالیان دراز که از فوت مرحوم پدرم حسین علاء می‌گذرد، سرانجام زندگی‌نامه سیاسی مستندی از ایشان به چاپ می‌رسد. تدوین این زندگی‌نامه که مروری به شخصیت سال خدمت پیگیر و مداوم (از اواخر حکومت قاجاریه تا سال ۱۳۴۳ خورشیدی مطابق با ۱۹۶۴ میلادی) او به کشور عزیزش می‌باشد، هرچند که با تأخیر زیادی انجام گرفته است، ولی با این حال باعث خوشوقتی فراوان من می‌باشد.

با وجودی که چهل و پنج سال از درگذشت ایشان می‌گذرد، نام او همچنان نامی آشناست، لیکن با کمال تأسف تنها اندکی از شخصیت واقعی، خدمات و مشاغل ایشان بازگو شده است، درگذشته کتاب‌ها و مقالات گوناگونی درباره زندگی و خدمات سیاسی ایشان منتشر می‌شد که اکثر آنها مملو از اطلاعات اشتباه و سوء تفاهم‌های فراوان بود، هرچند که اغلب نویسندگان، صداقت و میهن‌پرستی ایشان را می‌ستایند، ولی همانند هر انسانی که در عرصه حرفة سیاسی جایگاه بلندی را احراز می‌کند، طبیعتاً دشمنانی نیز پیدا می‌کند، ایشان هم مستثنی نبوده به نوبه خود دشمنانی نیز داشت. به عنوان مثال: چون ایشان از طفولیت برای تحصیل به انگلستان فرستاده شد و تا پایان دوران تحصیل در آنجا به سر برد، بنابراین به زبان و ادبیات انگلیسی تسلط کامل یافت،

او انگلیسی را مانند زبان مادری صحبت می‌کرد، بخصوص در دورانی که تسلط به زبان خارجی بین ایرانیان کاملاً رایج نبود. همین مطلب باعث شد که برحسب طرفداری از سیاست انگلستان را به ناحق به او زدند که کاملاً بی‌پایه و اساس بود و اتهامی است که از واقعیت به دور است. ایشان نه فقط به زبان و ادبیات انگلیسی آشنایی عمیقی داشت، دقیقاً در همان حد تسلط کامل به زبان و فرهنگ و ادبیات فرانسه نیز می‌داشت، به طوری که چهل سال پس از فوت ایشان، وابسته فرهنگی سفارت فرانسه در واشنگتن به من یادآوری کرد که تاکنون در وزارت خارجه فرانسه به هیچ ایرانی برخورد نکرده است که این چنین به زبان و ادبیات و فرهنگ فرانسه آشنایی داشته باشد.

حسین علاء به خوبی با فرهنگ، تاریخ، ادبیات و دموکراسی انگلستان آشنایی داشت و بسیاری از جمله‌های مثبت آن را ستایش می‌کرد، به خصوص از دموکراسی پارلمانی پرسابقه و قوه قضائیه مستقل آن و چون فردی شدیداً ملی‌گرا و وطن‌پرست بود. او همیشه آرزو داشت که بتواند در مملکت خویش هم، دموکراسی پارلمانی و قوه قضائیه مستقل را برقرار کند و همیشه از نفوذ فراگیر و خصمانه سیاست‌های خودخواهانه و فربکارانه انگلستان در ایران طی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم منزجر بود. وزارت خارجه انگلستان هم به خوبی از این مطلب مطلع بود، به طوری که وقتی در سال ۱۹۳۰م/ ۱۳۱۰ش، حسین علاء به عنوان وزیرمختار ایران به دربار انگلستان معرفی شد. وزارت خارجه انگلیس در اقدامی کم‌سابقه از پذیرفتن ایشان اجتناب نمود و او را به عنوان عنصر نامطلوب^۱ معرفی کرد و دلیلی هم که برای این اقدام آورده شد این بود که احتمال دارد علاء به علت گرایش‌های خصمانه‌ای که نسبت به بریتانیا دارد، رفتار نامناسب نسبت به دولت انگلستان داشته باشد.

در گزارش‌های متعددی که وزارت خارجه انگلستان طی سال‌های ۱۵-۱۳۰۰ش/ ۳۰-۱۹۲۰م از شخصیت‌های سیاسی ایرانی آورده است، مرتباً علاء را با این صفت معرفی می‌کنند: یک ملی‌گرای متعصب و دوآتشه... و در گزارش‌های دیگری چنین از او ذکر می‌کند: او به هیچ وجهی طرفدار انگلستان یا روسیه نیست، بلکه فقط طرفدار ایران می‌باشد.

علاء برخلاف هم‌تایان سیاسی خود منجمله قوام‌السلطنه (پسرخاله‌اش) معتقد به

سخنرانی‌های آتشین و عوام‌فربانه یا بنیادگرایی حزبی برای جذب هوادارانی به دور خود، جهت بهره‌برداری از نظرات مردم نبود و اصولاً از خودستایی و لاف‌زنی کلی دوری می‌کرد. او به علت تربیت اروپایی که داشت، بیشتر یک دولتمرد بود، تا یک سیاستمدار جنجالی و معتقد. او بایستی وظایفی را که به عهده می‌گرفت، به‌دور از هر سرو صدایی انجام می‌داد، تا تأثیرگذار باشد و بیشتر در پشت صحنه قرار می‌گرفت تا روی صحنه (همانند الگوهای اروپایی قرن نوزدهم مثل تالیران و یا مترنیخ). هرگز او طی شصت سال خدمتش به مقام، اقتدار یا مال‌اندوزی نمی‌اندیشید و کوچکترین علاقهای به ظواهر زندگی نداشت. همچنین وی از افراد چاپلوس و فرصت‌طلب دوری می‌کرد.

علاء در طول عمر سیاسیش با عزم راسخ و رخنه‌ناپذیری نسبت به اصول و پرنسپ‌های اعتقادی‌اش، شرافتمندانه به وطن عزیز خود - که عاشقانه آن را می‌پرستید - خدمت کرد. صفاتی که در تاریخ سیاسی ایران کمتر دیده می‌شود و نادرست است. هرچند جثه کوچکی داشت و همیشه از سلامت کامل برخوردار نبود، ولی با جدیت خستگی‌ناپذیری جهت پیشرفت مملکت تلاش می‌کرد و وظیفه‌شناسی او زبانزد خاص و عام بود.

ویژگی‌های اخلاقی‌اش در دفاع محکم و قاطع او از پرونده ایران بر علیه اتحاد جماهیر شوروی در شورای امنیت سازمان ملل - که نوپا بود - در سال ۱۳۲۵ش/۱۹۴۶م کاملاً آشکار بود، به خصوص در مقابله با مشکلات عدیدهای که با آنها روبرو شد مانند بی‌تفاوتی بریتانیا و ایالات متحده نسبت به شکایت ایران یا شهرت و اعتبار مارشال استالین بعد از پایان موفقیت‌آمیز جنگ جهانی دوم، یا مخالفت شدید شوروی و اقمارش در گنجاندن پرونده ایران در دستورالعمل شورای امنیت و عدم همکاری نخست‌وزیر وقت قوام‌السلطنه که تحت فشار شوروی قرار داشت و تلاش‌های شدید معاونش مظفر فیروز که از طرفداران بی‌چون و چرای سیاست شوروی بود. او با جدیت تمام می‌کوشید که موقعیت علاء را در سازمان ملل تضعیف کند، ولی او با سرسختی تمام به مبارزه ادامه داد، تا به نتیجه مطلوب که نجات آذربایجان بود رسید. صراحت شگفت‌آور او در راهنمایی‌هایی که به شاه می‌نمود، به خصوص در اواخر سلطنتش - او که متأسفانه با عده‌ای از متعلقان احاطه شده بودند - قابل تقدیر بود و گاه این صراحت کلام تا مرز پا را از گلیم خود فراتر گذاشتن می‌رسید و این خود نشانه‌ای از صداقت و

عزم خلل ناپذیر ایشان بود.

علاء در اواخر عمر به هنگام تصدی پست وزارت دربار متوجه شد که شاه دیگر نیازی به پند و اندرزهایش ندارد و به نظر می‌رسید که او دیگر به اصول دموکراسی پارلمانی اعتقادی ندارد و فقط می‌خواهد سلطنت بکند و نه حکومت. او با وجودی که به نقش پراهمیت و رهبران و مراجع مذهبی اعتقاد فراوان داشت، ولی شدیداً از سیاست جدایی دین از حکومت دفاع می‌کرد.

هرچند او ظاهری جدی داشت، ولی همیشه طنزهای جالبی را در سخنانش استفاده می‌کرد و اصولاً انسانی شوخ طبع بود و همواره با مهربانی و محبت بیش از حد با کودکان و نوجوانان روبرو می‌شد. او علاقه بسیار زیادی نسبت به جوانان هموطن داشت و به راحتی می‌توانست با آنان رابطه برقرار کند و هیچ‌گاه عشق و محبتش را نسبت به آنان پنهان نمی‌کرد.

چیزی که از نظر من تا به امروز بسیار با ارزش است، محبت و توجه خاص او نسبت به فرزندان او بود، در حالی که اکثر سیاستمداران به دلیل گرفتاری‌های زیاد و مسئولیت‌های سنگین فرصتی برای فرزندان خود نداشتند. پدرم همواره و بیش از اندازه به پیشرفت و تکامل فکری فرزندانش توجه داشت و آن را در صدر وظایف خود قرار می‌داد. او همیشه حتی در دشوارترین شرایط در دسترس ما قرار داشت و تمام تلاشش را صرف این می‌کرد که بهترین آموزش را دریافت نماییم. همچنین او علاقه داشت که ما به زبان‌های خارجی تسلط یابیم، با تاریخ و ادبیات ایران آشنا شویم و در این عشق ابدیش، زبان و فرهنگ فارسی و تاریخ درخشان ایران سهیم باشیم.

یکی از خاطرات ماندگار و شیرین دوران کودکی من این بود که هر روز صبح زود پیش از رفتن به محل کار، پدرم با چه عشق و علاقه داستان‌های حماسی شاهنامه فردوسی را برای من می‌خواند و لذتی را که از این کار می‌برد، هرگز فراموش نخواهم کرد.

پدرم فرد فروتن و افتاده‌ای بود و از هیچ چیز بیشتر از سادگی و خلوت زندگی خانوادگی لذت نمی‌برد و از حضور در مراسم تشریفاتی و پر زرق و برق درباری تا جایی که مسئولیت‌هایش اجازه می‌داد پرهیز می‌کرد. او بیشتر ترجیح می‌داد شام را در منزل و در جمع خانواده صرف کند.

از صفات بارز پدرم ادب، احترام و وقت‌شناسی بود که هنگام برخورد با تمامی افراد

بدون در نظر گرفتن سن و سال یا موقعیت‌های اجتماعی و یا مقام آن‌ها از خود نشان می‌داد.

حسین علاء مردی فاضل و دانشمند بود. کتابخانه عظیم و محبوبش که در زمان خود و در نوع خود کم‌نظیر بود که شامل نسخ خطی قدیمی از ادبیات و تاریخ ایران در کنار چاپ اول سفرنامه‌های اروپاییانی که در قدیم به ایران سفر کرده بودند مانند تاورنیه، شوالیه شاردن، ماروی گنزالس، دوکلاویخو و کرزن بود.

مرحوم پدرم در نوجوانی در ایام فراغت، و قتش را به کشیدن کاریکاتورهای شوخ و بامزه از بزرگانی که به دیدارش می‌آمدند می‌گذراند. نمونه برخی از این کاریکاتورها در این کتاب چاپ شده، تا نمایان استعداد هنری او باشد.

پدرم همچنین پیانیست قابل‌ی بود، به طوری که در زمانی که چهارساله بودم و ایشان در مقام وزیرمختار ایران در لندن بود، در ضیافتی که در سفارت برگزار شده بود، پشت پیانو نشست و نوکورت‌هایی از شوپن را با مهارت تمام نواخت و به شدت مورد تشویق حاضران قرار گرفت و به خوبی به یاد دارم چه احساس غرور عمیقی به من دست داد.

متأسفانه با افزایش مسئولیت‌های بی‌شمار ایشان در طول سالیان بعد به ندرت فرصت می‌یافت که شخصاً به این هنرها بپردازد، ولی همیشه مشوق سرسختی برای ما بود که به موسیقی بپردازیم. مهم نبود او کجا و در چه موقعیتی قرار داشته باشد، ولی برای تشویق فرزندان‌ش همیشه حضور داشت و وقت می‌گذاشت.

در سنین کهولت و پس از انفصال ناگهانی توسط شاه از وزارت دربار، پس از سال‌ها خدمت صادقانه به کشوری که به آن عشق می‌ورزید، با نشستن در کتابخانه محبوبش، در حالی که پوستین زیبایی پوشیده بود، به بازخوانی برخی از شاهکارهای ادبیات که در جوانی از آنها لذت برده بود، می‌پرداخت، مانند داستان دوشهر اثر چارلز دیکنز یا جنگ و صلح اثر تولستوی. و در آرامش روزگار را سپری می‌کرد.

پدرم به برادر بزرگترش دکتر محمد علاء عمیقاً وابسته بود؛ متأسفانه در دوران مسئولیت‌های سنگین پدرم به ندرت فرصت دیدار یکدیگر را می‌یافتند. آنها تمام دوران تحصیل را در لندن، با هم سپری کرده بودند و شوخی‌های مشترک بسیار با هم داشتند.

هنگامی که دکتر محمد علاء در سن ۸۴ سالگی پس از یک بیماری کوتاه دارفانی را

وداع گفتم، پدرم عمیقاً دل شکسته و افسرده شد. او احساس می کرد که پایان زندگیش فرارسیده است، بنابراین از من خواست که در خانه، اطاق و تخت خودش از او پرستاری شود و علی رغم تمام کوشش های پزشکان برای طولانی تر کردن زندگی ایشان، فقط چند روز بعد، جان به جان آفرین تسلیم کرد.

اگر توانسته باشم به عنوان نمونه تنها یکی از اصول اخلاقی ایشان را در خود نهادینه کنم، همانا خدمت به مردم بی هیچ توقع یا چشمداشتی است.

در خلاصه وظیفه خود می دانم که مراتب قدردانی و سپاس فراوان خود را از سرکار خانم دکتر منصوره اتحادیه که با قاطعیت و کاردانی فراوان کتاب زندگی نامه پدرم را به ثمر رساندند ابراز دارم.

همچنین سپاس قلبی خود را از همسر عزیزم یکتا که مشوق اولیه تنظیم این کتاب بود و در تمام مدت با علاقه و دقت ادامه کار را پیگیری می کردند و تمام عکس هایی که در کتاب به چاپ می رسید را گردآوری نموده اند را اظهار می نمایم.

فریدون علاء

سخنی با خواننده

حسین علاء پسر محمدعلی علاء السلطنه، او کارمندان عالی رتبه وزارت خارجه بود. او تحصیلات ابتدایی متوسطه و سپس دانشگاهی را در رشته حقوق در انگلستان به هنگام وزیرمختاری پدر سپری کرد. علاء السلطنه جمعیاً ۱۷ سال در انگلستان خدمت کرد و در سال ۱۳۲۴ هجری قمری / ۱۹۰۶ میلادی (۱۲۸۵ شمسی) به ایران برگشت و مصدر مشاغل گوناگون دولتی شد. پسر او حسین علاء یک سال بعد از پدر، پس از پایان تحصیلات به وطن مراجعت کرد و به عنوان معاون و رئیس دفتر علاء السلطنه در همه سمت‌هایی که داشت - به کبار اشتغال ورزید. پس از فوت علاء السلطنه در ۱۳۳۶ ق/ ۱۹۱۷ م (۱۲۹۶ ش) حسین علاء پست‌های متعددی به دست آورد و قریب به ۶۰ سال در دولت نقش مهمی را ایفا می‌کرد. هدف از نگارش کتاب حاضر بررسی زندگانی سیاسی وی است تا نقش او در جریان‌ات کشور مشخص گردد.

جیمز بیل مورخ بنام آمریکایی در کتاب خود تحت عنوان عقاب و شیر، ترازوی روابط ایران و آمریکا^۱ می‌نویسد: بسیاری از باهوش‌ترین و با نفوذترین سیاستمداران

۱. James Bill, *The Eagle and the Lion, The Tragedy of American Iranian Relations*, Yale Uni press, USA., 1988.

ایران به عمد از روشنایی خیره‌کننده آفتاب و از شهرت دوری جسته‌اند و قدرت خود را در دهلیزهای تیره سیستم سیاسی اعمال کرده‌اند، با این کار از تیررس دشمنان احتمالی یا اعمال نفوذ آن‌ها ایمن بوده‌اند.^۱

حسین علاء را می‌توان نمونه‌ای از این گونه سیاستمداران توصیف کرد که اعتقاد داشت نباید گرد و خاک به پا کرد. شاید این خصلت وی بود که منجر به این گشت که طی سالیان متمادی تنش و بحران که بسیاری از رجال سیاسی را از میان برداشت، او همچنان با نامی نیک و شهرتی خدشه‌ناپذیر در سیاست باقی بماند. او سیاست و سیاستمداری را در جوار پدرش محمدعلی علاء السلطنه یکی از رجال خوشنام دوران قاجار آموخت و به همان سبک و سیاق راه او را ادامه داد.

حسین علاء در عهد ناصرالدین شاه متولد شد، او جوانیش را در انگلستان گذراند و در کنار تحصیل شاهد روابط سیاسی ایران با انگلیس و دیگر اروپاییان در سفارت ایران بود. هنگامی که معاونت پدر را داشت فشارهای استعمار بر کشور ضعیف و بی‌دفاع ایران را از نزدیک حس گرفت بدین گونه او کار و تجربه کسب کرد. مادرش هماخانم عظمت‌الدوله دختر مجدالملک سبکی و خواهر میرزا علی‌خان امین‌الدوله بود که هر دو از رجال اصلاح‌طلب و روشنفکر عهد ناصری بودند و بدون شک افکار آنان بر حسین جوان تأثیر می‌گذاشت.

دوران نوجوانی حسین علاء مقارن افزایش حس ملی‌گرایی و جستجوی هویت ایرانی بود که بیشتر در مطبوعات فارسی چاپ خارج تبلور می‌یافت. می‌توان تصور کرد که سفارت ایران در لندن نیز در جریان مطالب مندرج در روزنامه‌هایی که در مصر، کلکته و استانبول منتشر می‌شدند قرار داشت. بنابر این حسین علاء بدین وسیله با مسائل ایران، ضعف‌ها، اشتباهات دولت، عقب‌افتادگی فرهنگی - اقتصادی و لزوم اصلاحات و راهکارهای آن آشنا می‌شد و از آن بهره می‌جست.

از سوی دیگر او در مدرسه وست مینستر^۲ و سپس در رشته حقوق دانشکده حقوق دانشگاه لندن تحصیل کرد و علاوه بر آن آشنایی با مظاهر تمدن غرب، نظم، سخت‌کوشی، عقیده به دموکراسی و اهمیت قانون را در این کشور فراگرفت که از جنبه‌های بارز شخصیت وی به‌شمار می‌آمد. از این جهت او با اغلب معاصرینش از

1. Ibid, p. 10

2. Westminster School

جهات بسیاری تفاوت داشت و می‌توان آن را مدیون تربیت اروپایی وی دانست. حیطه علائق او متنوع و گسترده بود و همه عمر علاوه بر سیاستمداری در پیشبرد ورزش، پشاهنگی، تحصیل و مسائل مربوط به جوانان اشتغال داشت. وی به تاریخ و ادبیات ایران و غرب علاقه خاصی داشت و در حفظ آثار ملی کشور کوشید و فعالانه در آن شرکت می‌جست.

مراجعت او به ایران مقارن انقلاب مشروطه بود، شکی نیست که انقلاب و ایده‌آلیزم آن او را زیر تحت تأثیر قرار داد. در عین حال مشاهده نتایج نامطلوب تدروی‌های انقلابیون وی را برای همیشه مخالف عکس‌العمل‌های شدید و تند کرد.

حسین علاء را یک محافظه‌کار روشنفکر توصیف کرده‌اند. وی اصول‌گرا بود و همه عمر به خط مشی و ایدئولوژی برگزیده‌اش پایبند باقی ماند و با صحت عمل از آن پیروی می‌کرد. او به دموکراسی و لیبرالیزم غربی اعتقاد داشت و به مجلس و قانون اساسی پایبند بود. علاء با این که شخصاً متدین بود، اما به جدایی سیاست از مذهب عقیده داشت و نهاد سلطنت را برای ایران ضروری می‌دانست. وطن‌پرستی مهمترین خصلت وی به شمار می‌آمد و او آزادی ایران مستقل به همراه یک دولت قوی را داشت. همچنین او متعلق به نسلی بود که غرب و غرب‌گرایی را راه حل مشکلات کشور می‌دانست و با وظیفه‌شناسی در این راه پای نهاد، تا ایران را از عقب‌ماندگی و ضعف نجات دهد. علاء قریب به ۶۰ سال در مشاغل و پست‌های متعدد دولتی کار کرد و در جریانات سیاسی کشور سهم مهمی را داشت، با این وصف هنوز کتاب جداگانه‌ای در باره زندگانی او نگاشته نشده است و در تاریخ‌های معاصر فقط به نقش گاه و بی‌گاه او که عموماً با اشتباه همراه است اشاره می‌شود و جا دارد که تحقیق جداگانه‌ای از این شخصیت انجام گیرد. در باره شخصیت و عملکرد او قضاوت‌های گوناگونی وجود دارد که غالباً با حسن‌نیت و با اطلاعات صحیح نگارش نشده است.

یکی از مورخین علاء را با مصدق مقایسه می‌کند و می‌نویسد: علاء بیشتر عمر خود را در خارج از ایران گذرانیده بود و برخلاف مصدق شناخت کاملی از روحیات و اوضاع و احوال داخلی ایران نداشت.^۱ ولی این گفتار درستی نیست، علاء دوران

۱. محمدعلی موحّد، خواب آشفته نعت، دکتر مصدق و نهضت ملی ایران، نشر کارنامه، تهران ۱۳۷۸، جلد ۳، جلد ۱، جلد ۱.

تحصیلات خود را در انگلستان به سر برد و در سن ۲۳ سالگی به ایران مراجعت کرد. او جمعاً ۱۳ سال به مأموریت‌های خارج از ایران رفت و باقی عمر خود را در ایران گذراند و کار کرد. افزون بر این علاء به تاریخ و ادبیات ایران نه تنها علاقمند بود، بلکه متبحر و صاحب نظر بود.

خدمت در پست وزارت‌های مختلف بالاخص وزارت دربار موجب شد تا وی با زیر و بم سیاست ایران عمیقاً آشنا گردد، حدود امکانات و واقعیات جامعه را بشناسد و اهداف غیرقابل دسترس را دنبال نکند.

تاریخ‌نگاری در ایران دارای چند ویژگی است، از یک جهت این رشته جدید ریشه در اورینتالیسم دارد که بسیاری از کتاب‌های آن ترجمه شده و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. دیدگاه اورینتالیست‌ها از جهان "شرق" و مردمان از این طریق به مورخین و سیاستمداران و مردم ما القاء شده است. به این ترتیب خوی "شرقی" یا خودی را "عقب‌افتاده" و خوی "غربی" یا دیگری را "پیشرفته" و مدرن پنداشته‌ایم. مدرنیته را بدون شناخت درست روند تحولات غرب و ریشه‌های تاریخی آن، تنها راه چاره دانسته است، تا از عقب‌افتادگی (در مقایسه با غرب) رهایی یابد. ویژگی دیگر این تاریخ‌نگاری تکرار برداشت‌های مورخین غربی است که در مقایسه با خودشان برچسب عقب‌افتادگی به ما زده‌اند.

اگر از لحاظ سیاسی بنگریم خواهیم دید اغلب نویسندگان غربی به سیاستمداران خود تاسی کرده‌اند، رجالی را که با دولت‌هایشان همکاری نداشته‌اند مرتجع و فاسد قلمداد کرده‌اند و ما نیز با سطحی‌نگری همان اتهامات را نسبت به سیاستمداران خود تکرار کرده‌ایم.

مورخین پیرو ایدئولوژی چپ نیز به همین روش در مورد بعضی از رجال سیاسی قضاوت یک‌سویه و غیرمنصفانه‌ای داشته‌اند و اغلب آنان را مورد اتهام قرار داده‌اند، به طوری که برخی را "خادم" و بعضی را "خائن" به شمار آوردند که تا به امروز این رویه ادامه یافته است.

نکته‌ای که باید در اینجا افزود و بر آن تأکید کرد، ضعف دولت‌های گوناگون ایران در برابر غرب است. دولت ایران چه در دوران قاجار و چه در دوره پهلوی در رابطه با کشورهای انگلیس، روسیه، عثمانی، آلمان و آمریکا موضع ضعیفی داشت و اگر هم

داعیه استقلال بیان می‌کرد، به پشتوانه یک کشور علیه کشور یا کشورهای دیگر انجام می‌شد، تا این امر امکان‌پذیر گردد. همین مسئله نه تنها به دولت‌های غربی اجازه دخالت در امور داخلی ایران را می‌داد، بلکه دولت نیز از روی استیصال به آن‌ها متوسل می‌شد و از آنها نظر و کمک می‌خواست.

ویژگی دیگری که می‌توان بر شمرد توهم توطئه است که عده‌ای از دولتمردان ایران سخت بر این باور بودند که هر چه در ایران می‌گذرد، دسیسه بیگانگان به خصوص انگلستان است. این عقیده نه تنها در جریانات سیاسی کشور تأثیر داشته است، بلکه بر تاریخ‌نگاری ما چنان سایه افکنده که خلاصی از آن سخت، یا حتی غیر ممکن به نظر می‌رسد. بسیاری از سیاستمداران ما چون دکتر مصدق و یا محمدرضا شاه که از گردانندگان وقایع کشور به‌شمار می‌آمدند، تحت تأثیر همین توهم تصمیماتی گرفتند که غالباً با واقعیت منطبق نبود و موجب مشکلات و اشتباهات بسیاری شده است که گاه جبران‌ناپذیر بود.

علاوه بر این ویژگی‌ها که تاریخ‌نگاری ما را تضعیف کرده است، عدم دسترسی به اسناد و مکاتبات افرادی که در گذشته نقشی داشتند، خلاء عمیقی ایجاد می‌کند. در بسیاری اوقات به مقام اشخاص اشاره می‌شد، اما از عملکرد و تأثیر آنها بر وقایع بی‌اطلاع هستیم. تفاوت زیادی بین سیاست افراد دیده نمی‌شود و ویژگی آن‌ها را نمی‌توان تشخیص داد، به همین دلیل زندگی‌نامه‌نویسی نیز خالی از اشکال نیست. عموماً ما در باره اشخاص اظهار نظر می‌کنیم، بی‌آنکه آن‌ها را به درستی بشناسیم. متأسفانه از علاء اسناد و نامه‌های خصوصی چندانی به‌جای نمانده است، همچنین یادداشت‌های وی که طی سالیان دراز نوشته شده، از بین رفته است و نیز مطالب چندان زیادی سوای گزارشات رسمی یا آنچه که دیگران در باره او نوشته‌اند نیافتیم. بنابراین شناخت او آسان نیست و گاه باید به استنباط خودمان بسنده کنیم.

برای تهیه این کتاب علاوه بر مطالعه کتب و روزنامه‌ها، وقت زیادی صرف جمع‌آوری و مطالعه اسناد موجود در بایگانی وزارت خارجه ایران شد و تعدادی گزارشات مهم و مفید به دست آمد که منتخبی از آن‌ها مورد استفاده قرار گرفت. مدارک به‌دست آمده از بایگانی اسناد انگلستان^۱ و بایگانی اسناد وزارت خارجه آمریکا نیز مفید

بود.^۱

آنچه از اسناد وزارت خارجه ایران در دسترس قرار گرفت، از ارزش یکسانی برخوردار نبود. اسناد علاء السلطنه اکثراً محدود به مکاتبات وزیر خارجه و مقامات خارجی مقیم ایران که غالباً مسائل جزئی محلی، شکایات خارجی‌ها و توضیحات وزیر را دربرمی‌گرفت. چیزی از مسائل مربوط به قراردادها و مذاکرات سیاسی به دست نیامد. در دوره علاء که چهار بار به سفارت در خارج از ایران رفت و پست‌های وزارت، نخست‌وزیری و به خصوص وزارت دربار را شامل می‌شد - به استثنای اسنادی که دکتر خانبابا بیانی در کتاب غائله آذربایجان منتشر کرده و نیز کتاب بحران آذربایجان تألیف مصطفی دبیری که بسیار ارزشمند است - اسناد دیگری که به دست آمده، اکثراً مربوط به گزارشات علاء از شرایط سیاسی کشورهای فرانسه، انگلیس، سفارت اولش در آمریکا و همچنین مسائل اقتصادی و ملاحظات وی بود. اثری از هیچ‌گونه مذاکره سیاسی با دولت‌های خارجی یافت نشد. احتمال دارد که این‌گونه گزارشات در محل دیگری بایگانی شده و در دسترس عموم قرار نگرفته‌اند و یا به کلی موجود نیست.

از تمام اشخاصی که در تدوین این کتاب کمک کرده‌اند سپاسگزارم. در درجه اول آقای دکتر فریدون علاء فرزند حسین علاء و همسرشان یکتا که با تشویق، همکاری، کمک‌های مالی و فکری مفید نگارش این کتاب را ميسر ساختند. آقای حسین علاء امور دولتی را با کسی حتی با نزدیکان خود در میان نمی‌گذاشت، به همین سبب چندان از کمک اطرافیان در این باره کمکی به دست نیامد. اما خاطرات و اطلاعات ارزشمند دکتر فریدون علاء از شخصیت پدرش، به ویژه در ارتباط با تربیت فرزندان برای این جانب بسیار مفید بود، زیرا که در شناخت شخصیت حسین علاء کمک بسیاری کرد. همچنین از خانم ایران علاء و همسر ایشان که نکات جالب توجهی در باره شخصیت حسین علاء بازگو کردند سپاسگزارم. از آقای دکتر اسماعیل شمس برای تلاش دقیق و خستگی‌ناپذیر ایشان در جمع‌آوری اسناد، مطالعه روزنامه‌های این دوره و برای یادآوری نکاتی که طی مطالعه این اسناد که بدان دست یافته بودند، کمک سرشاری را در شکل‌گیری این کتاب به من کردند. از آقای سعید روحی در حروفچینی این اثر که با

حوصله بی نظیر کار را برای من آسان و مهیا کرد و در پایان برای ویرایش این اثر که با دقت بسیار توسط خانم سعاد پیرا انجام گرفت سپاسگزاری می کنم.

www.ketab.ir